

بقلم: قمر شات

# دوازده سال در قاهره

باز هم سخن از هنرپیشگان

-۵-

در شماره‌های پیش مطالب گوناگونی از سرزمین نیل و اوضاع مختلف طبیعی و تاریخی و اجتماعی، و خصوصیات احوال جالب توجه مردم آن زمان نگارش یافت، رشته سخن بتدریج به ام کلثوم (کو کب الشرق) و عبدالوهاب (بلبل الشرق) پیوست و درباره این دو هنرپیشه نامی خاورمیانه یادنیای عرب تا جائیکه حافظه کمک می‌کرد و از نکاتی که بخاطر مانده بود گفتگو شد. اینک که می‌خواهم خوانندگان گرامی را بمطالعه قسمت دیگری از خاطرات ساده‌ای که در ذهن مانده سرگرم کنم شایسته می‌بینم قبل از هر چیز بیک خصوصیت جالب توجه شریفی که از عبدالوهاب معروف است اشاره شود.



ماجدة



تهلة القدسی زوجه الموسیقار محمد عبدا الوهاب  
(رجوع شود به صفحه ۲۴۵ شماره مرداد ۱۳۴۶)

شکی نیست که ام کلثوم در عالم هنر پیشگی رقیب اول یا بزرگ عبدالوهاب بشمار میرود، ولی نامبرده با این حال مزایای رقیب خود یعنی ام کلثوم را می‌ستاید و در هر موقع مناسبی از او تمجید مینماید و حتی برای آوازه‌های او نغمه‌ها و آهنگ‌های متناسب و دلپذیری می‌سازد. حال جادارد این نکته را بطور خصوصی برای مزید اطلاع هنرپیشگان عزیز خودمان



سعادت حسنی

متذکر شوم که راز هنر -  
 مندی و نبوغ ام کلثوم تنها  
 از معرفت او با سرار  
 خوانندگی و نوازندگی  
 سرچشمه نمیگیرد بلکه  
 از این است که وی بیش  
 از شنندگان خود با آنچه  
 خودش میخواند شوق و  
 دلپستی و "یا ببارت  
 دیگر شیفتگی دارد و چنان  
 تحت تأثیر غنا و آواز  
 خود قرار میگیرد که  
 بیننده تماشاچی تصور  
 میکند شخصیت وی در  
 آوازش محو شده و طوری  
 شیفته فضای خود گشته که  
 از خود بی خود شده  
 و دستمال حریری که  
 عادت دارد وقت خواندن  
 آواز در دست بگیرد

بی اینکه بداند چه میکند آنرا با دودست خویش پاره پاره مینماید.

اثر این حالت غیر عادی نه تنها در حرکات او بلکه در وجناتش نیز چنان جلوه میکند  
 که گویی چشمانش میخوانند از حدقه خارج شوند لذا برای اینکه چنین حالتی موجب وحشت  
 تماشاچیان نشود دورنمای چشم خود را با عینک سیاهی مخفی میسازد.

هیئت ارکستر ام کلثوم که افراد آن مرکب از بیش از هشتاد نفر نوازنده میباشند با  
 ایست و جالب و دیدنی است. مخصوصاً وقتی که بیننده چشمش به چهار هنرپیشه مسن نابینا که  
 یا «نای‌های» بلند و لباسهای هنرپیشگی آخرین مد (آر تیسٹی) کسر گرم انجام تکلیف خود  
 هستند می‌افتد بی اختیار مجذوب وضع سحرآمیز مجلس میشود و بی اینکه اراده کند - الله، الله  
 میگوید و شیفتگی و حیرت خود را از آنچه می‌بیند و میشود ابراز میدارد. اینجا است که  
 حقیقت جمله حکیمانۀ: (آنچه از دل برآید در دل نشیند) بدرستی و در کمال وضوح درک میشود.  
 گرچه سخن در این زمینه قدری طولانی شد ولی چون مقصود این بود که مشاهدات  
 حساس خود را بقدر امکان نقل کرده باشم لذا بر آنچه عرض شد میافزایم که سرزمین نیل  
 میتواند همواره خود را بخصوصیت فن خوانندگی و نوازندگی (هنرپیشگی) دردنیای شرق  
 ممتاز بداند تا بحدی که هنرپیشگانش از مرزهای خود گذشته بممالک خارج از کشور نیز

میروند و از این رهگذر نه تنها مملکت را با درآمد ارزبهره مند می سازند بلکه عمل تبلیغاتی خیلی شگرفی برای دلبستگی و قدردانی مردم آن صفحات نسبت به هم میهنانشان انجام میدهند. مثلاً شب جمعه آخر هر ماه که ام کلثوم نمایش اختصاصی خود را در عمارت «قصر النیل» برپا میسازد صدها نفر از متمولین کشورهای عربی و حتی شیخ نشینهای خلیج فارس با صرف مبالغ هنگفتی برای حضور در آن یک شب بقاهره سفر میکنند و از بذل و بخشش وجوه شخصی خود دریغ نمی نمایند.



حجاة الصغیره



نادیه لطفی

عجب آنستکه این گروه هنرپیشه که عجالةً میتوان نام چندتن از آنها را از قبیل : فرید الاطرش ، رشدی اباضه ، ماجده ، نادیه لطفی ، نجات الصغیره ، فائده کامل ، فائزه احمد ، فتنین عبدالوهاب ، محمود فوزی ، عبدالعزیز محمود ، عمر الشریف ، نجات حسنی ، سعاد حسنی ، سمیره حسنی ... بر سبیل مثال یاد نمود نه فقط برای گذران امر معاش بلکه برای تربیت روح هنر دوستی حتی تعلیم اصول آموزشی کوشش خود را بکار میبرند و از این راه افکار هم زبانهای عرب خود را در داخل و خارج از کشور روشن میسازند و چه بسیار دیده و شنیده شده است که این طبقه در امور عام المنفعه و خدمات اجتماعی مقتدای دیگران میشوند و از مزایای جمال و کمالیکه از آن بهره مند شده اند برای تحقق این نوع از آرمان های ملی استفاده مینمایند ، مثلاً از یک سو به مؤسسات خیریه کمک میکنند و از جهان گردانیکه برای مشاهده آثار تاریخی معروف زادگاه فراغت میآیند با خوشروئی جالبی پذیرائی مینمایند و در عین حال هم از صنایع وطنی و کالاهای ساخت کشور ترویج مینمایند و لباس خود را فقط از آنها تهیه می کنند .

فراموش نمیکنم روزی در فرودگاه قاهره دوتن از این نمونه هنرپیشه ها را دیدم که بایکدیگر از روی تأثر عمیق میگویند : چرا اولیای شهرداری وظیفه خود را در گل کاری و چمن کاری اطراف فرودگاه که اولین بار بچشم تازه واردهای غریب میخورد انجام نمیدهند و يك منظره جالبی از سرزمین وطن برای دیدار آنها فراهم نمیکند .

نکته‌ای که جادارد باین مناسبت بدان اشاره شود آنستکه بهیچوجه تصور نشود هدف نویسنده از شرح و بسط احوال هنرپیشگان مصری اینست که این طبقه را ستایش و از آنها خوش آمد گفته باشد و خواننده گرامی را بکمال و جمالیکه دارند دلباخته و مسحور نماید ، بلکه هدفم بیش از هر چیز آنستکه بگویم افراد را در هر مسلک و رشته‌ای که در پیش دارند هر گاه بدرستی تربیت و رهبری کنند درعین حالیکه وجودشان کمک شادی بخش و تسلیت‌دهنده دیگران باشد بالطف و آرامش طبع خود بهدفعهای عالی خدمت کنند.



فایزه احمد



ام کلثوم

نکته دیگری که نیز تذکرش لازم بنظر میرسد این بود :  
 خصوصیات طبیعی که در مزاج اغلب افراد آنسامان بطور مخصوص یا محسوسی نمایان است گفته شود یعنی همچنانکه بیشتر افراد ما تمایل ذاتی بمالم شعر و شاعری دارند مصریها نیز بفن خوانندگی و هنرپیشگی تمایل ذاتی و قابل توجهی دارند و آثار این تمایل در همه جا و حتی در استودیوهای هالیوود آمریکا مشاهده میشود.

**ناتمام**

پرتال جامع علوم انسانی